

رساله اپرا

معین کمالی



سرشناسه	:	کمالی، معین، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدیدآور	:	رساله اپرا/ معین کمالی.
مشخصات نشر	:	تهران: پایان، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	:	ص: ۸۸؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۵۷۴۲-۵۲-۷
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
موضوع	:	اپرا
موضوع	:	Opera
موضوع	:	موسیقی آوازی
موضوع	:	Vocal music
موضوع	:	موسیقی -- فلسفه و زیبایی‌شناسی
موضوع	:	Music -- Philosophy and aesthetics
رده بندی کنگره	:	۱۷۰۰.ML
رده بندی دیویی	:	۷۸۲/۱۰۹
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۹۳۵۸۰۰

نشر پایان

رساله اپرا

معین کمالی

گرافیک جلد: آریابرزن فروزان

ناشر: پایان، تلفن: ۰۹۱۹۴۹۴۷۶۸۸

چاپ یکم: ۱۳۹۸

چاپ و صحافی: پردیس دانش، تیراژ: ۲۰۰

www.Payanpub.com

E.mail: payan1379@yahoo.com

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۴۲-۵۲-۷

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

فهرست

۷	یادداشت ارسلان حیدری
۹	یادداشت میرشهاب‌الدین چیلان
۱۱	پیش‌گفتار نویسنده

بخش نخست

مشاهده شناسی

۱۵	مشاهده دوگانه
۱۷	مشاهده‌شناسی اپرا
۱۸	اپرا چیست؟
۲۱	اپرای مستقل
۲۲	اپرا در وضعیت همبسته‌ها و سیر تاریخی
۲۳	رویگردانی از اپرا

بخش دوم

شناخت اپرا

۲۹	هنر اپرا
۳۰	چشم‌انداز کلی اپرا
۳۳	طیف‌های آوازی اپرا
۳۵	تاریخ اپرا
۳۸	خاستگاه هستی‌شناختی اپرا

بخش سوم

زاویه مشاهداتی

۴۷	چه هستند‌های در نسبت با اپرا هستیم؟
۴۸	بن شناخت مشاهداتی شما چیست؟
۵۰	بن مشاهده‌گر و هنر
۵۲	بازشناسی معنای هنر
۵۵	اپرا به مثابه هنر
۵۷	اثر هنری مقدم است یا هنرمند؟!
۵۸	سه زاویه مشاهداتی اپرا
۶۰	مشاهده‌گر باروکی
۶۱	اپرای اورفئوس
۶۷	مشاهده‌گر کلاسیک
۶۹	اپرای فلوت سحرآمیز
۷۸	مشاهده‌گر رمانتیک
۸۴	اپرای سالومه

یادداشت ارسلان حیدری^۱

اپرا قطعه‌ای موسیقایی برای تئاتر که سراسر آوازی است. اثر موسیقایی دراماتیک همراه با فضای نمایشی می‌باشد. این شکل از موسیقی که شاید بتوان آن را به عنوان قدرتمندترین فرم موسیقی آوازی - سازی نام برد، تلفیقی است از موسیقی ارکسترال، شعر و کلام، حرکت و نمایش، صحنه و صحنه پردازی... از همین حیث بسیار تاثیرگذار و در طول تاریخ خود مورد توجه و الهام بخش فیلسوفان، روان‌شناسان، موسیقی‌دانان و سایر هنرمندان قرار گرفته است. و تقریباً از همان ابتدای پیدایش مورد توجه عموم جامعه نیز واقع شده و هنوز با قدرت به راه خود ادامه می‌دهد و طرفداران بسیار دارد. این فرم از سال‌های آخر قرن ۱۶ میلادی از زمانی که تونالیت‌ها جایگزین مدهای قدیمی شد در ایتالیا پدید آمد و به سرعت در فرانسه، انگلستان، آلمان، روسیه و بسیاری از کشورهای دیگر راه یافت.

همه ما آگاهییم که یک اثر موسیقی تا چه حد می‌تواند تاثیری عمیق بر روح انسان داشته باشد، موسیقی‌ای که آهنگ‌ساز آن را خلق می‌کند و توسط نوازندگانی که سال‌ها مهارت کسب کرده‌اند نواخته می‌شود و همچنین توسط یک رهبر ارکستر که همه عمر خود را وقف موسیقی کرده، رهبری می‌شود. و این فرایند موسیقایی قلب اپرا را می‌سازد. از سویی خلق یک اثر ادبی به واسطه واژه‌ها و کلمات به شکلی شعرگونه همواره از زمان‌های کهن بین اقوام مختلف جایگاه ویژه‌ای

۱. آهنگ‌ساز، نوازنده و مدرس موسیقی کلاسیک و پژوهشگر فرهنگ موسیقی

۴. رساله اپرا

داشته و به همین خاطر لیبرتو (متن اپرا) از چنین اهمیتی برخوردار است که ادبیات را به موسیقی پیوند می‌دهد و اثری دراماتیک ایجاد می‌کند، و سپس با ورود نقش آفرینان در صحنه آراسته شده به ایفای نقش آوازی - نمایشی می‌پردازند. این جاست که اپرا شکل می‌گیرد. اعضای تشکیل دهنده اپرا که هر یک به تنهایی سهم و نقش خاص خود را دارند حکایت از این می‌کند که یک اثر اپرایی مجموعه‌ای کلی از نقطه نظرها و عوامل مختلف است که بسیار حایز اهمیت و قابل بررسی می‌باشد.

دوران پر باری است که با استاد گران‌قدر و بی‌همتا معین کمالی افتخار دوستی داشته‌ام. ایشان در راه پژوهش، مطالعه، تدریس و تالیف فلسفه هنر و خصوصا موسیقی گام‌های بسیاری برداشته است. کتاب *تاملات و ایده موسیقی در متن مشاهده و همچنین کتاب از جایی که هستیم...* دو اثر متاخر ایشان اثباتی است بر این سخن و اینک در رساله *اپرا* برگه دیگر از اندیشه خود را آرایه نموده و اپرا را از منظری فلسفی بر پایه رساله‌ای که خود مبدع آن است، یعنی نظریه مشاهده مورد بررسی قرار داده...

در این کتاب ایشان علاوه بر تعریف و توصیفی دقیق از اپرا به نوع نگرش‌ها - زاویه نگاه انسان‌ها و جنبه‌های زمانی اعم از زمان تاریخی و غیر تاریخی پرداخته است و به نظر این‌جانب سعی در نشان دادن اپرا به عنوان یک اثر جهانی و نه فقط مختص به یک سرزمین داشته است. احساس من این است که این کتاب به دلیل نثر فلسفی و روان‌شناسی نیاز به بردباری و دقت نظر بسیار دارد و برای کسانی که دوست‌داران فهم مطالب هنری بیشتر از نحوه کاربرد آن هستند، بسیار موثر است.

یادداشت میرشهاب‌الدین چیلان^۱

تاریخ چند هزار ساله اخیر نشان می‌دهد که موسیقی و یا دست کم عناصری موسیقایی در تمام اقوام ساکن این کره خاکی وجود داشته است. همچنین در میان بسیاری از اقوام جهان اجرای موسیقی و داستان‌سرایی به یکدیگر پیوند خورده بودند، سنتی که از چین تا اروپا و بسیاری از نقاط دیگر قابل مشاهده بود. هر منطقه‌ای دارای رپرتوار مشخص و مخصوص به خود بوده، اما در یک مورد تمام آن‌ها مشترک بودند. در تمام آن‌ها روایتی طولانی از حماسه‌ها و عشق‌ها وجود داشت که توسط راویانی که می‌خواندند و می‌نواختند، اجرا می‌شد. سنت داستان‌گویی حماسی و عاشقانه که توسط ساز همراهی می‌شده به طور معمول تنها به صورت انفرادی اجرا می‌شده است. خنیاگر، آشیق و ... عناوینی بوده‌اند که در مناطق مختلف به این اجراکنندگان اطلاق می‌شده است. به نظر می‌رسد موسیقی و داستان منظوم دو رزم‌آوری هستند که دریافته‌اند هنگامی که دست در دست یکدیگر می‌نهند به قدرتی افسانه‌ای دست پیدا می‌کنند تا به وسیله آن بتوانند به روان انسان‌ها رسوخ کنند.

اما شرایط اقتصادی، سیاسی، مذهبی و... ایتالیای قرن هفدهم را مهبیای پیدایش اپرا کرد. هنری پرخرج که نفرات زیادی چون

۱. آهنگ‌ساز، پژوهشگر موسیقی اقوام، موسیقی درمانگر (عضو انجمن موسیقی درمانی استرالیا).

۱۰ رساله اپرا

آهنگ‌ساز، نوازنده، خواننده - بازیگر، خیاط، کارگر و... باید با هم همکاری کنند تا متنی که از پیش نوشته شده را به روی صحنه ببرند. این هنر چند وجهی به سرعت به سایر نقاط اروپا و سپس به عنوان هنر وارداتی به سایر نقاط از جمله ایران نیز راه یافت.

کتاب اپرا که نویسنده از آن به رساله نام برده است، کتابی است که در آن پرسش‌هایی اساسی مطرح می‌شود، رویکردی که شایسته است یک روانکاو در قرن بیست و یکم داشته باشد. طرح پرسش، شک کردن و به فکر واداشتن، برتر و البته سخت‌تر و پرهزینه‌تر است از بیان حکمی قاطع. خود می‌گوید: «هدف من این است که سرنخی از باب تامل در خواننده این رساله ایجاد کنم تا نه در حصار علیت موضوع، نه فقط در حصار آمارها و مستندها، بلکه راهی را برای درک تفاوت نگاه خود دریابد و هر چیز را که می‌شنود و می‌خواند حجت کلام نکند!».

معین کمالی به عنوان فردی آکادمیک نیز منتقد بسیاری از جنبه‌های نهادهای آکادمیک است و عدم وابستگی خود را به چنین نهادهایی که تکرار و تایید سلیقه‌های فرادست، مانند القای لیبرالیسم سرمایه‌داری یا سوسیالیسم و سایر مدهای تحمیلی زمانه است، به خوبی نشان می‌دهد.

خوانش این کتاب فلسفی و هنری به دقتی از سمت خواننده نیاز دارد تا از موارد طرح شده در میان صفحات کتاب بهره بیشتری ببرد.

پیش‌گفتار نویسنده

در انبوه زاد و ولدهای پس از انقلاب ۵۷ و آغاز جنگ، در میان وسوسه جامعه‌ی "بودن یا شدن" متولد شدم. نام معین را برایم انتخاب کردند، ولی بر اثر یک خواب نام مهدی را در شناسنامه‌ام حک کردند. اما آن‌ها هیچ وقت مهدی صدایم نکردند! بزرگ‌تر که شدم زمانی که به مدرسه و فضاهای قانونی پا گذاشتم با نام شناسنامه‌ام خطاب می‌شدم، اما این نام را هرگز در محبت مادرم، قانون پدرم، خطابه همبازی‌هایم و اقوامم نشنیده بودم. شالوده کودکی خود [مهر/کین - میل و ترس بنیادی] را با نام معین شناختم و با آن خودخواهی‌ها و خودکاوای‌هایم را می‌جستم... فضای مدرسه در برابر روح بازی‌ها و دید و بازدیدهای کودکی‌ام آن قدر جانبخش نبود که بخواهم نام شناسنامه‌ام را باور کنم. دوران نوجوانی که هنگامه شب‌گیر هویت انسان است، برایم تعارضی میان تسلیم شدن - بندگی عرف‌های دانش و از طرفی خودکاوای و دنبال کردن پرسش‌های وجودی‌ام در میان بزرگان و صاحب‌نظران بود. اولی برایم سست و کم مایه و دومی برایم سرشار از شور و التهاب، اولی برایم گنگ و غریب و دومی برایم نجیب و قریب بود. هرچه بیشتر تسلیم می‌شدم و قراردادهای متعارف را پیشه دانش خود می‌کردم مایوس‌تر و تاریک‌تر می‌شدم. تحصیل برایم جایی جان دوباره می‌گرفت که پرسش‌های روان‌شناختی‌ام پاسخ داده می‌شد و آن‌گاه حاضر می‌شدم هر موقعیت متعارف را واگذارم و به سوی کنکاشی بیشتر و

پایدارتر شتاب کنم... در مجرای جست‌وجوهای کلامی، فلسفی و هنری که رانه خود را در آن‌ها شوقمند می‌یافتیم، دریافتیم که انسان چه مطیع باشد و رفعت‌پذیر نهادهای قدرت و چه جست‌وجوگر سرکش و تنها هر چه در کردارش هویدا شود از سازه‌های روان او منشا می‌گیرد، پس انسان موجودی روان‌شناختی است. نوع انگیزه‌ها، ترس‌ها و امیال او مشخص می‌سازند که او کجا می‌رود یا کجا می‌ماند! انسان مشاهده‌گری است که هر چه در ذهن، احساس و کردار خویش دارد از بن مشاهده‌گر او برخاسته و این اصل روان‌شناختی ضرورتاً ربطی به رشته روان‌شناسی ندارد، زیرا که باید در روان انسان جست‌وجو کرد که اصلاً رشته روان‌شناسی مانند سایر رشته‌ها از چه زاویه‌های مشاهده‌گری روان انسان زاده شده! رشته‌ای شدن خود کیفیتی متمایز از خود روان‌شناسی دارد...

پیش‌تر در کتاب *از جایی که هستیم... فلسفه مشاهده* تشریح کردم که روان انسان چگونه کارگاه اندیشمندان و فیلسوفان است و انسان موجودی روان‌شناختی است و هر دانشی از وضعیت روانی مشاهده‌گر زاده می‌شود و فرم می‌یابد... و اینک در این رساله اپرا را به عنوان هنری چندگانه می‌شناسم که می‌توان با توصیف و تشریح آن وضعیت کلی یا "کثرت منسجم"^۱ انسان به مثابه مشاهده‌گر را در وضعیتی هستی‌شناختی بررسی کرد. در این رساله مفاهیمی مانند بن‌شناخت، فردیت-دیگری و امر رابطه، محورهای اصلی متن هستند که در پیکره ساختاری و محتوی اپرا ظاهر می‌شوند.

۱. کثرت منسجم: مفهوم کلیت فرد عبارت است از احساس نیرویی به نام خود که برگرفته از بسیاری مولفه‌های گوناگون مانند تاثیرات وراثتی و محیطی که در مرکزیت فرد پدیدار می‌شوند و این کثرات را جهت‌مند و منسجم‌تر می‌سازند.



پیش تر در کتاب/ از جایی که هستیم... فلسفه مشاهده، تشریح کردم که روان انسان چگونه کارگاه اندیشمندان و فیلسوفان است و انسان موجودی روان شناختی است و هر دانشی از وضعیت روانی مشاهده گر زاده می شود و فرم می یابد... و اینک در این رساله اپرا را به عنوان هنری چندگانه می شناسم که می توان با توصیف و تشریح آن وضعیت کلی یا "کثرت منسجم" انسان به مثابه مشاهده گر را در وضعیتی هستی شناختی بررسی کرد. در این رساله مفاهیمی مانند بن شناخت، فردیت- دیگری و امر رابطه، محورهای اصلی متن هستند که در پیکره ساختاری و محتوی اپرا ظاهر می شوند.